

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نعمت الله مختارزاده

شهر اسن – المان

## غولک تزویر

جنگ و جدل و دست و گریبانه گمشکو  
مشت و لگد و ، کله و دندان گمشکو  
پیشقبض و قمه ، چاقو و هم خردم و خنجر  
خشت و کلوخ و سنگ و پلخمانه گمشکو  
تیر و سپر و ، نیزه و سیلاوه و شمشیر  
گرز و تبر و چکش و سندان گمشکو  
از غولک تزویر همه خاین ملی  
خمپاره و بم ، راکت و هاوانه گمشکو  
( ربانی ) و ( گیلانی ) و ( گلبدین ) و ( سیاف )  
دیو و ند و بدکاره و شیطان گمشکو  
هر بیشه میهن که پر از ( داکتر ) و ( استاد )  
( دیپلوم ) و ( پروفیسر ) نادان گمشکو  
از ( خلقی ) و از ( پرچی ) و ( غیره و غیره )  
( راست ) و ( چپ ) و هم بالا و پایانه گمشکو  
( قانونی ) و ( مسعود ) و ( فهیم ) ، ( اتمر ) و ( خرّم )

ننگِ وطن و ملت ، افغانستان گمشکو  
بد (وردک) نامردک ترسو گک لنگک  
جاسوسک بدجنسک ناخوانه گمشکو  
خونخور (مزاری) و (خلیلی) گک نامرد  
بد میرغضب و ، وحشت زندانه گمشکو  
نا(صالح) و، نا(ثابت) و، نا(مقبل) بزدل  
بدکاره و ، بدزاده و ، کشخانه گمشکو  
(صبغت) که (مجدد) ، به عقب داره گرایش  
آن آهن زنگیده بطلانه گمشکو  
(دوستم) به سر اسپ جنایت شده بالا  
قمچین زدن و ، مستی و جولانه گمشکو  
هم رهن و هم رهبر و هم مفسد فی الارض  
این طایفه فاقد وجدانه گمشکو  
هم جانی و هم قاتل و هم تاجر دینی  
از منبر تفریق ، خدایانه گمشکو  
در داخل شورا که ، نه نظم و نه دسپلین  
لنگوته و ، پیزار فراوانه گمشکو  
پیراهن و تنبان و چین ، ریشک و پشمک  
بزغاله و گوساله پرستانه گمشکو  
فوج جنگی و، هم بونده جنگی وکیلان  
مرغان کلنگی رییسانه گمشکو  
در دعوت رسمی ، یخن چرک وزیران  
بوی بغل گنده ایشانه گمشکو  
بدماش بد اندیشه بدخور ملیشا  
دیوانه زنجیری ، دورانه گمشکو  
زدان سرگردنه ، در چور و چپاول  
مارشالک و جنرال و قوماندانه گمشکو  
بازور شده ، غصب زمینهای وطندار

شورا و سنا ، قانون و ، فرمانه گمشکو  
چشمک کدن. (کرزی) و دمبک زدن. (بوش)  
رقص و ، اتن و ، قرسک و ، میدانه گمشکو  
چون قیر سیه ، صفحه تاریخ وطن گشت  
بقال سیاستگر و ، دُ کانه گمشکو  
از فقر شده ملت بیچاره علف خور  
گرگانی به تن ، جامه چوپانه گمشکو  
هر عالمه و عالم دینی ، پی تفریق  
اسلام اگر اینست ، مسلمانان گمشکو  
باریش گره خورده و ، با چادر و با شال  
آرایش و ، پیرایش ، هرآنه گمشکو  
زیرا که شده ، کاسبه و ، کاسب دینی  
دلاله و ، دلال بد ایمانه گمشکو  
« نعمت » قلم و واژه نقد تو ، به جولان  
صاحب رقم بزدل و ترسانه گمشکو

( 2008 /06/19 )